

مقدمه

کتاب تایلر با عنوان **مبناهای اساسی برنامه درسی و آموزش** (۱۹۵۰) یا همان منطق مشهور تایلر، یک شیوه نگاه به برنامه درسی را بیان و معرفی می کند. برنامه درسی در این نگاه، ابزار مهم کارکردی آموزش است. منطق مورد نظر این کتاب، با تعیین چهار پرسش بنیادین در هر نوع برنامه ریزی درسی و طرح آموزش آغاز می شود. این پرسش ها عبارتند از:

- مدرسه ها باید درصدد تحقق کدام هدف های آموزش و برنامه درسی باشند؟
- کدام تجربه های یادگیری را می توان فراهم کرد تا بتوان به هدف های آموزش و برنامه درسی دست یافت؟
- این تجربه های یادگیری را چگونه می توان به طور اثربخش سازمان داد؟

- این تجربه ها چگونه ارزشیابی می شوند؟
از آنجا که برنامه ریزی یکی از وظایف اساسی مدیران است، آن ها با تکیه بر این عناصر، می توانند به نحو احسن رسالت آموزش را به پیش ببرند. از طرف دیگر، با توجه به اهداف مطرح شده توسط یونسکو برای آموزش و پرورش قرن حاضر (یادگیری برای دانستن، یادگیری برای عمل کردن، یادگیری برای زیستن و یادگیری برای با هم زیستن) و تلاش نظام های آموزشی برای تربیت دانش آموزانی خود رهبر، تصمیم گیرنده، خلاق و کاوشگر، توجه به این سؤالات و عناصر مطرح شده، راهگشا خواهد بود. لذا در این مقاله، موارد مطرح شده، برای استفاده در تعیین اهداف آموزشی و کاربرد صحیح در مدارس، توضیح داده شده اند.

کلیدواژه ها: برنامه درسی، تایلر، مدیران، متخصصان آموزشی

منطق تایلر و عملکرد مدیران مدارس

میمنت عابدینی بلترک

دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی
دانشگاه اصفهان



مقدمه

کتاب تایلر با عنوان مباحث اساسی برنامه‌داری و آموزش^۲ **رالف تایلر** (۱۹۵۰) یا همان منطق مشهور تایلر، پایاترین صورت‌بندی و تدوین نظری حوزه برنامه‌داری است. منطق تایلر به‌ویژه در کارها و اثرهای **جان دیویی**، **فرانکلین باییت**، **جورج کونتز** و صاحب‌نظران دیگر برنامه‌داری ریشه داشت. رویکرد و مدل تایلر در طلب و انتقال و توسعه و کاربرد، رویکرد و مدل هدف-وسیله در فرایند برنامه‌ریزی درسی بود (فلندر و تورنتن، ۲۰۰۴).

در ادامه به بیان ۴ مفهوم مطرح در این راستا می‌پردازیم.

۱. تعیین هدف‌های آموزش و برنامه‌داری

تایلر (۱۹۵۱) بیان کرده است که ما می‌توانیم پیامدها و نتیجه‌های اقدام‌ها و تلاش‌های آموزش و برنامه‌داری را بهبود و ارتقا بخشیم، به شرط اینکه هدف‌های مهم و معناداری برای آموزش و برنامه‌داری تدوین کنیم، تجربه‌های یادگیری کارآمدی انتخاب کنیم، این تجربه‌ها را با شیوه‌های اثربخش سامان دهیم و برای ارزشیابی مستمر برنامه‌داری آماده باشیم. آنچه مشخص است، تعریف هدف‌های برنامه‌داری نوعی انتخاب است. از این‌رو، باید آن‌ها را قضاوت‌های ارزشی مسئولان مدرسه دانست. برای بهبود ارزشی این انتخاب و قضاوت‌های ارزشی، هدایت و سمت و سو دادن و قضاوت، یک فلسفه آموزش فراگیر ضروری است. با در دست داشتن دانش و اطلاعات معین هم، مبنای فکری بیشتری در کاربرد ایده‌های فلسفی در تصمیم‌گیری درباره هدف‌های برنامه‌داری فراهم می‌شود.

آنچه درباره هدف‌های برنامه‌داری مطرح است، تعریفی است که از آموزش داده می‌شود. وقتی دانش‌آموزان و دانشجویان آموزش می‌بینند، در واقع ایده‌ها، عادت‌ها، شیوه‌های تفکر و مهارت‌هایی حرفه‌ای را به‌دست می‌آورند که پیش از آن نداشته‌اند. مدرسه‌ها و دانشکده‌ها در جریان تعیین هدف‌های آموزش و برنامه‌داری ممکن است با مشکلاتی مواجه شوند که با دنبال کردن شیوه نظام‌مند، می‌توان از بروز مشکلات جلوگیری کرد. این شیوه چند گام را دربرمی‌گیرد: تحلیل دقیق مسأله، بررسی قابلیت‌های دانش‌آموزان و دانشجویان، و دعوت متخصصان موضوع درسی. سه منبع ذکر شده، هدف‌هایی بیش از هدف‌های مورد نیاز برنامه‌داری را فراهم می‌سازند. برای انتخاب هدف‌های مهم برنامه‌داری می‌توان دو ملاک را به‌کار برد: اول: فلسفه آموزش و دوم روان‌شناسی یادگیری (تایلر، ۱۹۵۱).

حال به بیان عناصر اصلی که برای تعیین هدف‌های آموزشی باید مورد توجه قرار گیرند می‌پردازیم.

بررسی رفتار دانش‌آموزان به منزله بررسی هدف‌های برنامه‌داری است: آموزش فرایند تغییر رفتار است. با این نگاه، هدف‌های برنامه‌داری، نوع تغییرات رفتاری را که هر

نهاد آموزشی می‌خواهد در دانش‌آموزان خود ایجاد کند، نمایان می‌سازد.

مطالعه زندگی معاصر برون‌مدرسه، به منزله بررسی منبع هدف‌های برنامه‌داری است: توسعه علم و انقلاب صنعتی حجم دانش بشری را به‌طور حیرت‌انگیزی افزایش داده است. این دستاورد مسئولیت‌های مهم و معناداری را متوجه مدرسه کرده است. نکته حائز اهمیت آن است که مطالعه زندگی معاصر باید به منظور تعیین جهت‌هایی باشد و هدف‌های برنامه‌داری در راستای آن‌ها قرار بگیرند. این نوع مطالعه در صورتی می‌تواند مفید باشد که با انتخاب هدف‌های خاص برای کودکان و نوجوانان دانش‌آموز و جوانان دانشجو و با رعایت علاقه‌ها و نیازهای آنان همراه و هم‌زمان شود.

متخصصان موضوع درسی با هدف‌های برنامه‌داری مرتبط هستند: چرا که بسیاری از هدف‌های برنامه‌داری با نظر متخصصان اعتباریابی می‌شود. و بدیهی است که این کار باید همواره انجام شود.

۲. انتخاب تجربه‌های یادگیری

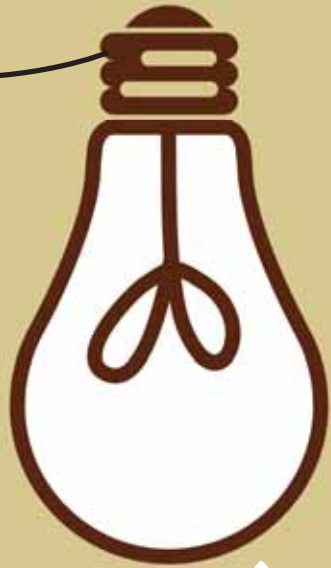
در اینجا این پرسش مطرح است که دانش‌آموزان چگونه به تغییرات مطلوب در الگوهای رفتاری دست می‌یابند؟ در عین حال، رساندن دانش‌آموزان و دانشجویان به سطح عمل به الگوهای رفتاری مطلوب، چندان ساده نیست. توسعه فهم دانش‌آموزان و دانشجویان، به آنچه در ذهن آنان می‌گذرد وابسته است (نقل از شریف، ۱۳۸۹).

۳. سازمان‌دهی تجربه‌های یادگیری

هنگام سامان‌دهی تجربه‌های یادگیری باید چند اصل و مبنا در ذهن داشت. اول ضرورت دارد تجربه‌های یادگیری را در راستای هدف‌های عمده و اصلی برنامه‌داری فراهم ساخت. این کار باید به‌طور مستمر و مداوم و سال به سال صورت بگیرد. اصل دوم در تلفیق تجربه‌های یادگیری، رعایت مستمر ارتباط بین نظریه و عمل است. پیامدهای تجربه‌های یادگیری را نیز باید از این توالی و تلفیق با همدیگر مرتبط ساخت (تایلر، ۱۹۵۱: ۷۳۸-۷۳۶).

۴. ارزشیابی اثربخشی برنامه‌داری

ارزشیابی باید میزان دقیق دست یافتن به هدف‌های برنامه‌داری را بررسی کند. این امر نیز مستلزم تغییرهای مستند در الگوهای رفتاری دانش‌آموزان در زمان مشارکت آنان در برنامه‌داری است. در بیشتر نظریه‌ها و رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، تدوین هدف‌های برنامه‌داری یکی از گام‌های اصلی به حساب می‌آید. هدف‌های برنامه‌داری همان هدف‌هایی هستند که مدرسه به واسطه برنامه‌داری‌اش به‌دست می‌آورد.



نقش آفرین

در سال‌های نخستین سفر مدیریت و رهبری‌ام، مدام از خود می‌پرسیدم: «چکار می‌توانم بکنم؟» توجه اصلی من عمدتاً روی خودم بود و آنچه می‌توانستم انجام دهم. چندان طول نکشید که کشف کردم چیزی که خودم می‌توانستم انجام دهم، آن قدرها مهم نبوده است. آدم‌های خودساخته کار زیادی انجام نمی‌دهند. من به سرعت مسئله را به این شکل تغییر دادم: «با دیگران چه کارهایی می‌توانم بکنم؟» متوجه شدم که موفقیت هنگامی از آن من خواهد بود که دیگران به من کمک کنند.

شما به‌عنوان رهبر و مدیر هرگز پیش‌رو نخواهید بود؛ مگر اینکه مردم پشت‌سرتان باشند.

هنگامی که به گذشته و به مردمی نگاه می‌کنم که در طول سالیان دراز به من کمک کرده‌اند، متوجه می‌شوم آن‌ها دو گروه هستند: مربیان و حامیان. مربیان به من آموختند، راهنمایی‌ام کردند و بارها مرا زیر بال حمایت خود گرفتند. من بی‌نهایت سپاس‌گزار آن‌ها هستم.

مربیان من چند دسته بودند:

- بعضی به من کمک کردند؛ بدون اینکه هرگز مرا شناخته باشند.

من نمی‌توانم مربیانی را که داشته‌ام اما هرگز ندیدم، بشمارم. بسیاری از آن‌ها با کتاب‌هایی که نوشته‌اند یا از طریق چیزهایی که دیگران درباره آن‌ها و عقایدشان نوشته‌اند به من یاد داده‌اند. آن‌ها در طول زمان به من نکته‌ها آموخته‌اند و میراثشان در من زنده است.

- بعضی مرا می‌شناختند اما هرگز نمی‌دانستند به من کمک کرده‌اند.

افراد بسیاری اصول رهبری و موفقیت را مدل‌سازی کرده‌اند

تأثیر منطق تایلر بر عملکرد مدیران

منطق برنامه‌ریزی درسی تایلر بسیار مورد توجه قرار گرفت، چراکه صورت‌بندی آن آسان بود و گام‌های منطقی روشن و شفاف داشت (نقل از پاینار و همکاران، ۲۰۰۴ به نقل از شریف، ۱۳۸۹). تایلر این بحث را مطرح ساخت که مدیران و معلمان مدرسه‌ها برای اینکه برنامه‌های درسی را تدوین کنند، باید به این پرسش‌ها پاسخ دهند: ۱. مدرسه باید به دنبال دستیابی به چه هدف‌هایی باشد؟ ۲. چه تجربه‌های یادگیری را می‌توان فراهم ساخت تا به واسطه آن‌ها به این هدف‌ها دست یافت؟ ۳. چگونه می‌توان این تجربه‌های یادگیری را به‌طور اثربخش سازمان داد؟ ۴. چگونه می‌توان مشخص کرد به این هدف‌ها دست یافته‌ایم یا نه؟

تایلر بر این باور بود که به خدمت گرفتن این پرسش‌ها و تلاش برای پاسخ گفتن به آن‌ها، برنامه‌ریزی درسی و برنامه درسی را اثربخش می‌کند.

از طرف دیگر، امروزه مدیریت یکی از ارکان اساسی و اولیه اداره امور جوامع است، زیرا ترکیب و به‌کارگیری صحیح عوامل موجود، ایجاد نظم و هماهنگی میان آن‌ها و در نتیجه براساس الگوهای صحیح و متناسب با شرایط محیطی برای رسیدن به اهداف مورد نظر، به شکلی مؤثر و مقرون به صرفه، با توجه به منابع و امکانات و محدودیت‌ها، نیرویی عظیم در پیشبرد امور سازمان‌ها به‌شمار می‌رود و محور تمام فعالیت‌های مدیر آموزشی، تسهیل و پیشبرد امر آموزش و یادگیری است. برای حل بسیاری از مشکلات جهان امروز می‌توان از دانش مدیریت بهره گرفت. مدیریت فرایندی است که به‌وسیله آن کوشش‌های فردی و گروهی برای رسیدن به هدف مشترک هماهنگ می‌شوند. شاید مدیریت را بتوان مؤثرترین عنصر در طرح و اجرای برنامه‌های مؤسسات دانست. مدیریت عنصری است که فعالیت‌های جاری سازمان را هماهنگ و برنامه‌های آینده آن را طرح‌ریزی می‌کند. به‌طور کلی، در عصر حاضر، ترقی و پیشرفت هر جامعه تا حدود زیادی در گرو نوع و چگونگی فعالیت‌هایی است که در مدارس آن انجام می‌شوند. بنابراین، می‌توان گفت که مدیران آموزشی، در کیفیت اجرای برنامه‌های آموزشی و پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت نقش بسیاری به‌عهده دارند و برای اینکه از عهده ایفای این نقش برآیند و با توجه به نقش خطیر مدیر در مدرسه، لحاظ کردن چهار عنصر مطرح شده، در انجام هر چه بهتر وظایف نقش پررنگی خواهد داشت.

پی‌نوشت:

1. Basic Principles of Curriculum and Instruction

منابع

۱. شریف، مصطفی (۱۳۸۹). برنامه درسی؛ گفتمان نظریه، پژوهش و عمل برنامه درسی کارایی اجتماعی. جهاد دانشگاهی. اصفهان.
2. Flinders, D & Thornton, S (2004). The Curriculum Studies Readers. Second Edition, New York: Taylor and Francis books, Inc
3. Kliebard, H (1975). Reappraisal: The Tyler Rationale. In W. Pinar(Ed) (1975), Curriculum Theorizing: The Reconceptualists. McMutchan Publishing.
4. Tyler, R (1951).Evolving a Functional Curriculum, In the American Journal of Nursing, Vol 51, No12.